

## پسر نوح



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

تعبیری در روانشناسی و جود دارد به این معنا که وقتی سوت شروع جهان، به معنای زندگی هر فرد زده می‌شود، همه در یک نقطه قرار نداشتند. سازوکار این جهان از همان نقطه شروع‌اش برای هر کس چنان عادلانه نیست؛ لاقلاً به عقل ناچیز ما چنین به نظر می‌رسد. یکی در همان بدو ورودش به دنیا در نقطه‌ای قرار می‌گیرد که دیگری شاید ده عمر دیگر هم می‌داشتند به آن نمی‌رسیدند. این از بخت یاری بعضی از آدم‌هاست که هستی، روزگار، آفریدگار یا هر چه بنامیم، نعمت‌هایی به آنها اعطا می‌کند که به همه نکرده است. فرزند شجریان بودن در بستر فرهنگی ایران یا اساساً در ایران یکی از همین نعمت‌هاست. خاطرم هست که حسین علیزاده سال‌ها پیش در یادداشتی درباره نسبت هنر و ثروت نوشته بود و در پایان یادداشت گفته بود: یکی از شاگردان دست بلند کرد که در نهایت هنر بهتر است یا ثروت و من گفتم: «محمدرضا شجریان». محمدرضا شجریانی که سخت‌گیرترین منتقدان موسیقی و نوازترین آدم‌ها به او که می‌رسید، می‌گفتند و می‌گویند که او فر همایونی داشت.

ماترک محمدرضا شجریان فقط نام و ثروت او که شبکه‌های حیرت‌انگیز بزرگترین متفکران، هنرمندان، نویسندگان، شاعران و بزرگان هر طیف بود که حول او جمع شده بودند و همه آن بزرگان محمدرضا شجریان را احترام می‌کردند و ارج می‌نهادند. صدق این حرف، سخنان ابتدا و انتهای کاست‌های خصوصی محمدرضا شجریان که در محفلی چیزی خوانده است، میزبانانش که معمولاً از متمولان هستند چنان درباره او و شأن او صحبت می‌کنند که انگار از خداوندگاری سخن می‌گویند. همین دست سخنان را در کلام بزرگان هر شاخه‌ای از فرهنگ می‌توانید ببینید. شجریان این راه را از معلمی، مشهد و استودیوی استانی تا بزرگترین سالن‌های جهان و معتبرترین رسانه‌های دنیا در حالی تنها و بی هیچ پشتوانه‌ای طی کرد که به احترام پدر در ابتدای هنرمندی‌اش ناچار بود هویت خود نهان کند. او از سیاوش بیدگانی نام عظیم محمدرضا شجریان را ساخت.

همایون شجریان با این ماترک پا به عرصه موسیقی گذاشت. همو که بخت یارش بود تا شجریان زاده شود و در نقطه شروع جایی باشد که چندین عمر از بسیاری آدم دیگر، جلوتر باشد. خیلی هم جلوتر باشد. چه کسانی که برای دیدن یک لحظه‌ای آدم‌هایی که هر آینه حول شجریان جمع شده بودند، باید عمری می‌دیدند و چه کاره‌ای کردند که اقبال‌شان بار شود و اسناد آن‌ها را به حضور بپذیرند. همایون این بخت را داشت که اگر می‌خواست تنبک بنوازد بزرگترین تنبک‌نواز معاصر در کنارش بود، اگر می‌خواست کمانچه بیاموزد همانطور. نه فقط موسیقی، او اراده می‌کرد، ناب‌ترین شعرهای معاصر از زبان خود شاعر می‌شنید و مهمترین متون فارسی رانزد نویسندگان می‌توانست بخواند.

شاید نگاهی به این ماترک، آن پدر، این همایون امروز را برای اهالی موسیقی ایرانی کمی نامأنوس کند؛ همایونی که دیگر سال‌هاست هیچ آواز نایی از او نشنیده‌ایم. ویدئوهایی که اخیراً از او به همراهی پیانو نوشیروان روحانی منتشر شده انگار آبی سرد است بر آتش امید آنان که هنوز امید داشتند میراث‌دار نام شجریان بتوانند کار پدر را توسعه دهند یا نه، کاری بی‌فریند که از پس همه بر نیاید. اما گویی همایون مسیر دیگری ترجیح داده است؛ مسیری سهیل الوصول برای توسعه دادن ماترک مادی شجریان و نه آواز او. کنسرت همایون شجریان و نوشیروان روحانی حتماً که برای شرکت‌کنندگان در آن محفل اوقات خوبی خواهد ساخت و آنان را به وجد خواهد آورد. اما از منظری دیگر، منظری کلان‌تر، شأن آثاری این چنین در تاریخ موسیقی چیست؟ کارهای نوشیروان روحانی را پیشتر خوانندگانی خوانده‌اند، باصلابت‌تر و زیباتر از اجراهایی که از همایون دست به دست می‌شود. آثاری که با نام آن خوانندگان و آن لحن‌ها در خاطر‌های جمعی حک شده است. حال پرسش این است که آیا همایون شجریان، میراث‌دار آن نام و سرامیه، رسالتش در این موسیقی خوانندگانی برای ساخت محفلی دلنشین در آمریکای شمالی و اروپای غربی است؟ آیا در این برهوت موسیقی ایرانی نباید از همایون، همو که پدر از نوجوانی در کنار خودش نشاند و عزت‌ش داد، انتظار داشت کاری کند که از دیگری شاید خیلی انتظار نبود؟

البته که همایون شجریان به عنوان یک شخص می‌تواند به همه اینها جواب بدهد و بگوید، دوست داشتم که این مسیر را انتخاب کنم، دوست داشتم رفته‌رفته از اهل هنر فاصله بگیرم و سمت مارکت بروم و اصلاً مگر باید برای اینکه پسر محمدرضا شجریان بودم و چنین مسیری انتخاب کردم، جواب پس بدهم؟ این هم هست، ما فقط از یک حسرت می‌گوییم، شاید هم خیال اندیشی کردیم و اشتباه می‌کردیم. پسر نوح هم با دیگری نیست و راه و رسم دیگری جز پدر در گرفت. البته که مراد این نیست که همایون همچون پسر نوح است، ولی حتماً که با هوشیانی جز هوشیانی پدر نیست که راه و رسم هنرش دیگرگونه‌شد.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژسی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژسی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



## حریفی که نباید دست کم گرفت

تیم ملی ایران امشب در تقابل با فلسطین جام ملت‌های آسیا را آغاز می‌کند



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

فلسطین بازی می‌کند. گفتنی است، فلسطین ۲ لیگ برتر دارد با نام‌های مجزای «لیگ برتر نوار غزه» و «لیگ برتر بانک غرب» که ۶ بازیکن فلسطین در لیگ برتر نوار غزه بازی می‌کنند که البته به دلیل حمله نظامی اسرائیل، هر دو لیگ فلسطین تعطیل شده است. از سوی دیگر با ۱۲ لژیونر مواجه می‌شویم که در لیگ‌های سوئد، اندونزی، هند، مصر، تایلند، بلژیک، شیلی، کویت، آذربایجان و اسرائیل (دو بازیکن) بازی می‌کنند. رامی حماده، دروازه‌بان تیم ملی فلسطین، متولد شهر «شفا امر» در شمال اسرائیل است. این شهر، سنی و عرب‌زبان است و کمتر از ۱۰ درصد این شهر ۵۵ هزار نفری، یهودی هستند. گفتنی است این بازیکن در تیم مکابی اسرائیل بازی می‌کند. دیگر بازیکن تیم ملی فلسطین که مرتبط با اسرائیلی‌هاست، عطا جابر است. این بازیکن متولد شهر «مجد الکروم»، واقع در شمال اسرائیل است. جابر عطا ۲۲ بازی ملی برای تیم‌های زیر ۲۱ ساله اسرائیل بازی کرده، اما از ۲ سال پیش تصمیم گرفت برای تیم ملی فلسطین به میدان برود. این بازیکن گذشته تصمیم گرفت به لیگ آذربایجان برود. عُدی دباغ ۲۵ ساله، ستاره لژیونر فلسطین است؛ بازیکنی که برای شارلوای بلژیک بازی می‌کند. «تامر صیام» هم بازیکن لیگ برتر تایلند است که طی ۹ مسابقه ۱۲ بار برای تیم باشگاهی‌اش گلزنی کرده است. همچنین فلسطینی‌ها، دو بازیکن سوئدی و شیلیایی دارند که تابعیت فلسطین را برعهده گرفتند و در این مسابقات حضور دارند. گفتنی است سرمربی این تیم نیز اهل کشور تونس است. «مکرم ذوب»، از سال ۲۰۲۱ هدایت تیم ملی فلسطین را به‌عهده گرفته است. این سرمربی ۵۱ ساله، در ابتدا به‌عنوان دروازه‌بان و بعدها به‌عنوان مربی دروازه‌بان‌های تیم فلسطین فعالیت داشت و حالا نفر اول کادرفنی آنها شده است.

## پیشینه تقابل با تیم ملی ایران

فلسطین در اولین بازی سال ۲۰۲۳ دست به کار بزرگی زد و بحرین را با نتیجه ۱-۲ شکست داد. آن‌ها پس از این ۹ بازی دیگر در سال ۲۰۲۳، همچنین ۲۰۲۴ به انجام رساندند که حاصل آن ۵ باخت و ۴ تساوی بود. فلسطین مدت‌هاست رنگ برد را ندیده، اما باخت ۰-۱ برابر استرالیا در مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶، شکست یک بر صفر مقابل ازبکستان و تساوی بدون گل در جدال با عربستان، به‌هیچ‌وجه نتایج بدی به حساب نمی‌آید و نباید آن‌ها را به‌خاطر عدم پیروزی در دیدارهای متوالی دست کم گرفت.

اگر بخواهیم تقابل‌های تیم ملی ایران و فلسطین را نیز مورد بررسی قرار دهیم، کف‌تراز و کاملاً به‌سمت ایران سنگینی می‌کند و طبعاً باید شاهد برد یکطرفه باشیم. اما فلسطین این دوره، کاملاً تفاوت دارد. ابتدا تاریخ را بررسی کنیم. ۳ برد و ۱ تساوی، عاقبت ۵ دوتل پیشین ایران و فلسطین بوده است. در این بازی‌ها، ۱۴ گل زده برای ملی‌پوشان و ۲ گل برای فلسطین به‌ثبت رسیده است. هر دو بار که فلسطین به ایران گل زده، موفق به متوقف کردن ایران شده است. در طرف دیگر ماجرا باید به گلزنان تیم ملی اشاره کنیم. جواد کاظمیان با زدن ۲ گل، بهترین آمار را داشته و از تیم‌کنونی، مهدی طارمی و کریم انصاری فرد، سابقه گلزنی برابر فلسطین را در کارنامه خود دارند. این ۲ تیم، ۵ سال قبل در خاک قطر، دیداری دوستانه با یکدیگر داشتند که منجر به تساوی ۱-۱ شد. حالا باید دید در مهم‌ترین رویارویی، چه نتیجه‌ای به ارمغان می‌آید. فلسطینی‌ها متأثر از جنگ و اشغالی که سال‌ها درگیرش هستند، می‌خواهند در جام‌ملت‌ها خودی نشان دهند تا در روزهای سختی که مردم‌اش تحمل می‌کنند، شادی را برای آنها به ارمغان بیاورند.

## ۲ اسرائیلی با ۱۲ لژیونر

لیست تیم ملی فلسطین به دو بخش تقسیم می‌شود. تیمی که ۱۴ بازیکن‌اش در لیگ داخلی فلسطین بازی می‌کنند و سایر بازیکنانی که در قاره اروپا توپ می‌زنند.

لیست فلسطین را تقریباً باید به ۲ بخش مساوی تقسیم کنیم؛ تیمی که ۱۴ بازیکن‌اش، برای ۴ تیم داخلی بازی می‌کنند و سهم تیم هلال القدس با ۶ بازیکن بیش از بقیه تیم‌هاست. این تیم در لیگ برتر

## چهره

## ازم نخواه برم از این خاک

شروین حاجی‌پور با ویدئوی «اشغال»، رکورد بازدید ویدئوهای فارسی‌زبان اینستاگرام در یک‌سال اخیر را شکست. او که ویدئوی «برای»‌اش در جریان اتفاقات پاییز سال ۱۴۰۱ نزدیک به ۴۰ میلیون بار دیده شد، با انتشار ویدئوی «اشغال» در صفحه اینستاگرامش، تا لحظه تنظیم این مطلب نزدیک به ۳۳ میلیون بار دیده شده است. باین حساب ویدئوی «اشغال» شروین حاجی‌پور که او در بخشی از آن می‌گوید: «ازم نخواه برم از این خاک / هر جابرم دلم همینجاست / من سر قولم هستم / پای حرفه پسر ایران»، رکورد بازدید ویدئوهای فارسی‌زبان اینستاگرام را جابه‌جا کرده است. شروین هم‌زمان با انتشار ویدئوی «اشغال»، از احضار دوباره خود برای ترانه «برای» خبر داد و از این نوشت که نمی‌داند این ترس و بلا تکلیفی تا چه زمانی ادامه خواهد داشت. میزان بازدید

از ویدئوی «اشغال»، زمانی جالب‌توجه می‌شود که بدانیم ۵۸ میلیون ایرانی، عضو شبکه اجتماعی اینستاگرام هستند و این ویدئو در عرض ۲۴ ساعت توانسته از مرز ۳۳ میلیون بازدید عبور کند و رکورد بیشترین بازدید ویدئوی فارسی‌زبان را به‌نام خودش ثبت کند.



## بازتاب

## پاسخ به یک گزارش

در خصوص مطلب منتشره با عنوان «نام‌گذاری‌های چند میلیارد تومانی»، در شماره ۴۱۹ روزنامه هم‌میهن مورخ سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۲؛ جویب‌های از مرکز روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال شده است که در ادامه می‌آید.

در گزارش منتشره، موضوع نام‌گذاری روزهای سال که امری مرسوم و پذیرفته‌شده در فرهنگ تمام کشورهای جهان است، با برخی هزینه‌تراشی‌های نادرست به انحاء مختلف -که قطعاً مورد اشکال و انتقاد همگان است- پیوند داده شده و با نتیجه‌گیری غلط، موضوع هویت‌ساز و فرهنگ‌ساز نام‌گذاری روزها در ذهن مخاطب به‌عنوان یک امر نادرست الفاء شده است حال آنکه این موضوع، ریشه در باورها و ارزش‌های عموم مردم داشته و امری مقبول و مورد پذیرش در تمام جوامع محسوب می‌شود. این نام‌گذاری‌ها براساس فرآیند مشخص و با مشارکت اقشار و ذی‌نفعان مختلف به‌تصویب می‌رسد که در خصوص تعداد معدودی از عناوین ممکن است آراء و دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته باشد و در این مصادیق، نقد سازنده رسانه‌ها، در ارتقای نام‌گذاری‌ها قطعاً راهگشا خواهد بود. لکن زیر سوال بردن اصل موضوع نام‌گذاری روزها در رسانه جای تأمل دارد.

در این گزارش رقم بودجه دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، یک عدد خلاف واقع و با اختلاف معنادار ذکر شده است که این رقم مربوط به مجموع بودجه چندین دستگاه و نهاد فرهنگی می‌باشد و انتظار از رسانه محترم این است که از آمار دقیق و صحیح استفاده کنند.

در بخش دیگری از گزارش، جایگاه حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بحث قرار گرفته که در این زمینه متذکر می‌شود، قانون‌گذاری در انحصار قوه محترم مقننه بوده و با تصریح بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره)، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی «در حکم قانون» بوده و برای دستگاه‌ها لازم‌الاجراست که در این زمینه در ادوار مختلف سیاسی؛ شکل‌گیری شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور افراد فرهیخته منصوب رهبر معظم انقلاب اسلامی و با تنوع گرایش‌های فکری در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، موجب شده است امر علم و فرهنگ با تغییرات سیاسی دستخوش تحولات بنیادین نشود.

شورای عالی انقلاب فرهنگی با فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) تشکیل و مأموریت‌های این شورا را مقام معظم رهبری ترسیم کرده‌اند و سیاست‌گذاری حوزه علم و فرهنگ کشور توسط معظم‌له به این شورا تفویض شده است. لذا ایجاد تشکیک در جایگاه حقوقی و قانونی این شورا نیز توسط آن رسانه محترم جای تأمل دارد.

مرکز رسانه و روابط عمومی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضمن استقبال از انتقادهای سازنده تأکید دارد که رسانه محترم در بیان انتقادات و دیدگاه‌ها نسبت به فعالیت‌های این شورا، ضمن رعایت انصاف، از داده‌های معتبر استفاده کرده تا بازنمایی درست و دقیق در ذهن مخاطب نقش بندد.